

Глоссарий

آ

آبان: نام ایزد نگهبان در کیش زرتشت
آبان دخت: دختر آبان، نام زن داریوش سوم
آبتین: نام پدر فریدون پادشاه پیشدادی
آتوسا: قدرت و توانمندی - دختر کوروش و همسر داریوش اول (هدیه بهشتی)
آتنا: الهه مهربانی یونانی
آدنیا: الهه زیبایی ها
آذرنوش: شیرین و دل انگیز
آذین: زیور، طاق نصره، تزئین، آرایش
آراه: نام فرشته موکل روز ۲۱ ازماه پنجم درآئین زرتشت
آرتا: پاک و مقدس
آرتمن: نام فرزند داریوش و برادر بزرگ خشایارشا.
آرتین: پاک و مقدس، پسر
آرزو: کام، مراد، معشوق، امید
آرش: درخشان، آفتاب، جد بزرگ اشکانیان - پهلوان کمانگیر ایرانی در لشگرمونوچهر
آرشام: بسیار قوی - پدر بزرگ داریوش هخامنشی، نیرومند
آرشان: فرزند اردشیردوم
آرشیدا: در عرش و ملکوت، نام ترکی، دختر
آرمان: هدف -آرزو - خواهش - امید
آرمیتا: آرامش یافته، کلمه‌ای زرتشتی است
آرمین: آرام گرفتن - دلیر - جنگجو- پسر کیقباد پادشاه پیشدادی
آروین : تجربه . آزمایش . امتحان . آزمون .
آریا: آزاده نجیب
آریا فر: دارنده شکوه آریائی
آریا مهر: دارنده مهر ایران - از سرداران داریوش سوم
آریتا: با فضیلت، پرهیزکار، نام یونانی، دختر

الف

اتابک: پدر بزرگ، مربی کودکان و شاهزادگان، نام ترکی، پسر
اتسز: لاغر و استخوانی - از پادشاهان خوارزم
اختر: ستاره، علم، درفش
ارد: خیر وبرکت، فرشته نگهبان ثروت - نام چند تن از پادشاهان اشکانی
ارد شیر: شیر زیبا - اردشیر بابکان بنیانگذار سلسله ساسانیان
اردوان: پاسدار راستی و درستی - نام پادشاهان معروف اشکانی
اردلان: (مرکب از: ارد درستی و راستی + لان مزید موخر) - اسم طایفه‌ای از ایلات کرد ایران
که در سنجند مسکن دارند. اهالی آن از دیگر طوایف بحسن خلق و جلالت امتیاز دارند.
ارژن: درختی با چوب بسیار سخت و محکم - نام کردی
ارژنگ: آرایش - کتاب مانی نقاش - دیوی که رستم در هفتخوان او را کشت
ارسلان: شیر، دلیر و شجاع - نام پادشاه سلجوقی، نام ترکی، پسر

ب

برزویه: طبیب مشهور انوشیروان و مترجم کلیله و دمنه از هندی به پهلوی
برزین: بلند و تنومند - از پهلوانان ایران - نام پسر گرشاسب
برمک: از وزیران ساسانی - نام اجداد و نگهبانان آشکده بلخ
بزرگمهر: خورشید بزرگ - نام وزیر دانشمند انوشیروان ساسانی
بکتاش: بزرگ ایل و طایفه - نامی ترکی
بنفشه: گلی رنگارنگ و زینتی با عمر نسبتاً طولانی
بوژان: رشد کرده - نامی کردی-سرد و خنک
بویان: خوشبو - مامی کردی
بهادر: شجاع و دلآور - نامی ترکی
بهار: شکوفه و گل - سه ماه اول سال شمسی
بهارک: بهار کوچولو - چند روز کوتاه در زمستان که آب و هوا مانند فصل بهار می شود
بهاره: بهاری

پ

پارمین: تکه‌ای از بلور، نام همسر داریوش هخامنشی
پارمیدا: مترادف: پارمیس، پر دانش و دانا، پر مهر و پرهودوپیمان، بهشت کوچک، دختر باران(عروس باران)
پارسا: پاکدامن، زاهد
پاکان: پاکها - نامی کردی
پاکتن: نیکو چهر پاکیزه تن
پاکدخت: دختر پاک
پاکزاد: پاک نژاد، نجیب
پانته آ: زن زیبای شوشی. همسر آرتاداس که مادها او را به کورش هدیه کردند اما نپذیرفت

ت

تابان: تابنده، منور
تاباندخت: دختر تابناک
تاجی: تاجدار، نام و عنوانی در فارسی دری
تارا: یک دسته ستاره، تور قرمز رنگی که عروس بر سر دارد(کردی)، الهه محافظ و نگهدارنده (هند و اروپایی)، مدینه فاضله (ایرلندی)،
تاراز: نام یکی از قلعه‌های زاگرس (نامی لری)
تاویار: آتشبان - نامی کردی و پسرانه
ترانه: زیبا و صاحب جمال، سرود، نغمه
تناز: نازنین، با ناز و کرشمه - نامی کردی
توران: نام دختر خسرو پرویز - سرزمین تور
توراندخت: دختری از توران
تورج: دلآور، یکی از سه پسر فریدون شاه
تورنگ: خروس صحرایی، قرقاول
توفان: باد سخت
توژال: برف اندک - نامی کردی
تیر داد: داده تیر، اشک دوم پادشاه اشکانی
تیام: چشم‌هایم(استعاره از عزیزم) نامی لری
تینا: گل، نامی کردی

تینو: تشنه، نامی کردی

ج

جهانشاه: شاه جهان - نام یکی از امپراتوران مغول

جهانگیر: فاتح جهان - نام پسر رستم

جهان بانو: بانوی جهان، ملکه جهان

جهاندخت: دختر گیتی

جهان ناز: مایه فخر عالم

جیران: آهو، نامی ترکی

چ

چابک: زرنگ، چالاک

چالاک: سریع و زبردست

چاوش: پیشرو و پیش قراول کاروان

چترا: دوازدهمین پادشاه سلسله ماد

چوبین: کنیه و لقب بهرام چوبین سردار انوشیروان

چهرزاد: نام دختر بهمن است که سی سال پادشاهی کرد

خ

خاتون: خانم، کدبانو، نامی ترکی

خاوردخت: دختر مشرق زمین

خداداد: خدا داده

خدایار: دوست خدا - فرمانروای بخارا بوده است

خرداد به: خورشید داد - یکی از جغرافیدانهای معروف اسلامی

خرم: شاد و خندان - پهلوان خرم از عهد شاه شجاع است

خرمدخت: دختر شاد و خندان

خسرو: مشهور، نیک نام - لقب چند تن از پادشاهان ساسانی

خشایار: قهرمان، نیرومند - نام پسر داریوش هخامنشی

خورشید: درخشنده آفتاب - معشوقه جمشید در داستان جمشید و خورشید

د

دادمهر: عدالت دوست، نام استاندار پارسی طبرستان

دارا: مالدار، ثروتمند، از نامهای خداوند

داراب: نام پسر بهمن پادشاه کیانی

داریا: دارنده، از نامهایی که در اوستا آمده است

داریوش: نگهبان نیکی - فرزند ویشتاسپ از شاهان بزرگ هخامنشی

دانوش: از اسمهایی که در کتاب وامق و عذرا آمده است

ر

رابو: نام گلی بهاری - نامی کردی است.

رابین: مشاور، متعمد - نامی کردی است.

رادبانو: بانوی بخشنده و جوانمرد

رادمان (رادمن): نام سپهسالار خسرو پرویز ساسانی

ز

زادبخت: خوشبخت، خوش اقبال

زاد به: بهزاد، نیک زاده شده

زاد چهر: دارای نژاد پاک و اصیل

زاد فر: زاده روشنی

زال: فرزند سپید موی سام نریمان و پدر رستم قهرمان ملی ایرانیان

زادمااسب: برادر شاپور ساسانی، نام یکی از قضات ساسانی

زاوا: داماد، نامی کردی

ژ

ژاله: شبنم، قطره

ژالان: گل‌های دارای قطره و شبنم - نامی کردی

ژیار: زندگی، زندگی شهری - نامی کردی

ژیان: زندگی، نام دختر و پسر، کردی

ژینا: زندگی و حیات - نامی کردی

ژیوار: زندگی-نامی کردی ژیلای صدیقی: زیبا عاشق دوست داشتنی

س

سارا: خالص - زبده - شاهزاده خانم - بی غل و غش

سارک: سار کوچک، پرنده‌ای سیاه رنگ و بزرگ‌تر از گنجشک

سارنگ: نام سازی شبیه به کمانچه

ساره: خالص، بی آرایش - نامی کردی

ساسان: سوال کننده، رئیس معبد آناهید استخر که خاندان ساسانیان به او منسوبند

ساغر: پیاله شرابخوری، جام

سام: سیه چرده - جهان پهلوان ایرانی وجد رستم

ش

شاپرک: پروانه

شادی: شادمانی، خوشحالی، شور شادان: شادمان

شادفر: از نام‌های دوران هخامنشی

شادکام: نام برادر فریدون

ط

طوس: فرزند نوذر پهلوان ایرانی شاهنامه

طوطی: پرنده سبز رنگ و سخنگوست و نام برخی زنان در فارسی دری است - طوطی تازی شده توتی

است یعنی پرنده‌ای که توت می‌خورد

طهماسب: دارای اسب قوی - نام پسر منوچهر

طهمورث: روباه تیزرو و قوی، پادشاه پیشدادیان و پدر جمشید

طرلان: باز شکاری - نامی ترکی است

طوطیا: مانند طوطی

طناز: تن‌ناز - طناز تازی شده تن‌ناز است

غ

غوغا: آشوب، هیاهو

غنچه: گل نشکفته، کنایه از دهان معشوق

ف

فرابرز: نام یکی از سرداران داریوش کبیر، به تعبیر دهخدا شاید همان فرامرز باشد، بلند بالا

فراز: بلندی و شکوه
فرامرز: شکوه مرزداري - نام پسر رستم دستان
فرانک: سپاه گوش، نام مادر فریدون، نام همسر بهرام گور ساسانی
فراهان: محل شکوه و جلال
فرید: مناعت، بزرگی
فریغ: شکوه خداوند
فرجاد: دانشمند و فاضل
فرخ: تابان و زیبا - نام یکی از امیران سیستان در عهد سلجوقیان
فرخ پی: نیک پی و نیک قدم
فرخ داد: مبارک آفریده شده

ق

قابوس: معرب کاووس است
قباد: سرور گرامی، شاه محبوب، پدر کیکاوس از پادشاهان کیانی
قدسی: بهشتی، روحانی
قرل ارسلان: شیر سرخ - نام دوتن از اتابکان آذربایجان - نامی ترکی

ک

کابان: کدبانو، نامی کردی برای دختران
کابوک: کبوتر، نامی کردی برای دختران
کارا: فعال و کوش
کارن: شجاع و دلیر، نام فرزند کاوه آهنگر
کارو: نوید دهنده- نامی ارمنی برای پسران
کاراکو: نام یکی از سرداران ماد
کاساندا: نام همسر کوروش بزرگ
کامبخت: کسی که بخت به کام اوست
کامبخش: آرزو دهنده، مراد بخش
کامبیز: صورت فرانسوی ((کمبوجیه)) پسر کوروش است
کامجو: کامچوینده
کامدین: یکی از دانایان دین زردشت
کامران: سعادت‌مند و خوشبخت
کامراوا: به مقصود و مراد رسیدن
کامک: آرزو و خواهش کوچک
کامنوش: کامروا، خوشبخت
کامیار: کامروا و پیروز
کانیار: معدن شانس، نامی کردی
کانی: چشمه، نام کردی، دختر
کاوان: صخره سنگی-انقلاب کبیر-[کوردی]-پسر
کاووس: پادشاه توانا - از پادشاهان کیانی و پسر کيقباد
کاوه: آهنگر معروف ایران باستان که علیه ضحاک قیام کرد

گ

گابان: یکی از یاران کرد پیامبر اسلام (ص) که به استقبال اسلام رفت

گئومات: نام موبدی بلند پایه در زمان پادشاهی کمبوجیه، پسر کورش بزرگ.
گرد آفرید: پهلوان زاده شده
گردان: پهلوانان، یلان
گرشا: به ر وایت شاهنامه همان کیومرث اولین پادشاه است
گرشاسب: صاحب اسب لاغر، پهلوان ایرانی و جد رستم
گرشین: شعله آبی، نامی کردی برای دختران
گرگین: منسوب به گرگ، پسر میلاد از پهلوانان زمان کیخسرو
گزل: زیبا، نامی ترکمنی است
گشتاسب: صاحب اسب رمنده، پدر داریوش هخامنشی
گشسب: دارنده اسب نر
گشسب بانو: دختر رستم و زن گیو
گل: گیاهان رنگی کوچک که دستمایه شاعرانند
گل آذین: حالت قرار گرفتن گلها روی شاخه ه
گل آرا: آراینده گل
گلاره: تخم چشم، نامی لری
گلاویژ: ستاره شمالی (قطبی)، نام کردی، دختر
گل افروز: فروزنده گل
گلاله: دسته گل
گل اندام: آنکه اندامش مانند گل است
گلاویز: گیاهی برای زینت گل
گلباد: داری بوی گل
گلبار: پرگل، گل افشان
گلپام: گلپانگ
گلپان: نگهدارنده گل
گلپانو: بانوی چون گل
گلبرگ: هر یک از برگهای یک گل، مثل برگ گل

ل

لادن: گلی به رنگهای زرد و نارنجی (اسم لاتینی)
لاله: گلی که رنگهای گوناگون دارد و معروفترین آن لاله سرخ و صحرایی است
لاله رخ: کسی که روی همچون لاله دارد
لاله دخت: دختر لاله
لبخند: تبسم

لقاء: چهره، سیم

لومانا: نام محلی در کردستان، نامی کردی برای دختران
لهراسب: دارای اسب تندرو، از پادشاهای کیانی و پدر گشتاسب
لیدا: محبوب همه (اسم یونانی)
لیلا: عشق (گمشده ای در تاریکی)

م

ماتان: سفیدوزیا- نامی ترکی برای دختران
مارال: آهو، غزال، زیبا- نامی ترکی برای دختران

ماری: کبک ماده، نامی کردی
مازار : یکی از سرداران مادی کورش
مازیار: اورا مزدایار - پسر قارون فرمانروای طبرستان
مازستا: خوب، بهتر، بهترین (نام پسر داریوش اول)
ماکان: شجاعت - نامی دیلمی برای پسران
ماردین: نام کردی، پسر
مامک: مادر کوچک و مهربان

ن

نادر: کمیاب، بی همتا
نادیا: امید
ناز آفرین: معشوقی که ناز فراوان می‌کند
نازبانو: بانوی ناز دار
نازپرور: پرورش یافته در ناز
نازچهر: کشی که چهره ناز دارد

و

وارلی: ثروتمند، دارا - نامی ترکی برای پسران
واحد: یگانه، یکتا، بی همتا
وامق: دوست دارنده، عاشق - عاشق عذر
ورجاوند: ارجمند - به اعتقاد زردشتیان کسی که در آخر زمان ایران را آباد می‌کند
وریا: بیدار، آگاه - نامی محبوب برای پسران در میان کردها
وشمگیر: شکارچی بلدرچین - نامی دیلمی برای پسران

ه

هژیر: خوب چهره، نام یکی از پسران گودرز که بدست سهراب کشته شد
هخامنش: دوستار اندیشه - نام جد کورش کبیر
هربد(هیربد): حاکم آتشکده، موبد موبدان
هرمز: اهورمزدا، خدای بزرگ ایرانیان - نام پسر بهمن و نام پسر انوشروان
همایون: مبارک، خجسته - نام تنی چند از پادشاهان هندوستان
هما: فرخنده، مبارک، مرغ سعادت - نام دختر گشتاسب و خواهر اسفندیار
هاوین: خورشید، تابستان، نام کردی، دختر هستی: زندگی

ی

یادگار: آنچه از انسان بجای ماند - پسر پادشاه گرجستان
یاسمن (یاسمین): گل زیبایی به رنگ سفید و زرد و کبود
یاشار: جاوید- نامی ترکی برای پسران
یاور: کمک و همدست و یار
یزدان: خداوند، آفریدگار هستی
یگانه: بی نظیر، بی مانند
یوتاب: درخشنده و بی مانند
یوشع: نام پسر نوح پیغمبر
ییلماز: بی باک، شجاع- نامی ترکی برای پسران
یسنا: نماز و ستایش و پرستش

